

## چالش ها و فرصت ها جهانی شدن برای ایران

مسعود فارسی<sup>۱</sup>، زیبا غفوریان تشکری علیزاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> فوق لیسانس مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد شیروان.

<sup>۲</sup> لیسانس مهندسی صنایع از دانشگاه پیام نور مشهد.

نام نویسنده مسئول:

مسعود فارسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

### چکیده

جریان مدرنیته و جهانی شدن در جامعه ما منجر به تغییر نحوه زندگی مردم خانواده و فرهنگ ها، اقتصاد، از هم پاشیدگی ساختار خانواده و در نتیجه تحول در محیط زیست و کالبد مادی زندگی ایرانیان گشته است. تغییرات کالبدی چهره شهرها و خانه ها را با گذر زمان دگرگون ساخته است. تحولات در ساختار شهرها بیشتر در سال های پس از جنگ تحمیلی و طی دوران بازسازی و توسعه اقتصادی روی داده است. افزایش تعداد و وسعت شهرهای بزرگ و کلان شهرهای کشور، افزایش شهرهای کوچک (تبدیل روستاها به شهر) اثبات نسبی در شهرها بزرگ و جریان واگرایی توسعه کالبدی شهرها و در نتیجه فرصت ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعف در نتیجه گذر از سنت به مدرنیته و جهانی شدن در این مقاله آورده شده است.

واژگان کلیدی: چالش ها، فرصت، جهانی شدن، ایران.

## مقدمه

جهانی شدن به معنی متراکم شدن جهان و انباشت آگاهی در دنیا است و در تفکر و عمل جهان به مشابه یک مکان واحد قلمداد می گردد که در آن جوامع ملی، به ویژه افراد مجبورند موجودیت خود را به عنوان بخشی از یک مجموعه بزرگ تر بپذیرند. گرچه پدیده جهانی شدن در حوزه اقتصاد مطرح شده ولی همه نظام های جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و فرم فیزیکی شهرها را دستخوش تغییر کرده و این نظام ها نیز به نوبه خود جهانی شدن در حوزه اقتصاد را تقویت نموده اند؛ بنابراین جهانی شدن استفاده هرچه مطلوب تر از منابع و امکانات جهان برای رفاه حال افراد بشر و مبارزه با بی عدالتی است و برای دستیابی به این اهداف همکاری سازمان های دولتی و غیر دولتی ضروری است (استعلاجی و نعمت حسین زاده، ۱۳۹۲). جهانی شدن در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره خود را نمایان ساخته است. در عصر جهانی شدن، حکومتها نمیتوانند قانونشکنی کنند و برای ایفای نقش در جهان امروز باید با انتقال بخشی از قدرت خود موافقت نمایند. مثلاً در عرصه اقتصاد، جهانی شدن با وارد کردن بازیگران جدید مثل شرکتهای چندفراملیتی محدودده اختیار حکومتها را محدود کرده است. در زمینه های دیگر هم با وارد کردن تغییرات اساسی به همین صورت رونمایی کرده است (ذکی و حسینی نصرآبادی، ۱۳۹۲: ۱۹۳). جهانی شدن آگاهی های ملی، قومی و شهروندی را بالا میبرد و بدینسان مردم برای رسیدن به حقوق خود را جدال با دولت میشوند. این امر بویژه در منطقه خاورمیانه که در آن بسیاری از دولتها هنوز تلاش میکنند مدل وستفالیایی دولت-کشور را حفظ کنند، به چشم میخورد. توسعه و بالندگی هر جامعه ای در نتیجه برنامه ریزی توسعه و تدوین سیاستها و استراتژی های توسعه پایدار است. توسعه به مفهوم تحول کیفی، گذار از دوره های به دوره دیگر مستلزم ایجاد تغییر همجانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... است. توسعه، فرایندی در هم تنیده و دارای وظایفی گسترده و بخش های محیطی مرتبط با زندگی اجتماعی انسانها است و به معنای فراهم شدن زمینه های لازم برای پیدایی ظرفیت ها و قابلیت های عناصر مختلف در اجتماع و میدان یافتن آنها برای دستیابی به پیشرفت و افزایش توانایی های کمی و کیفی است. توسعه پایدار، نیازمند استفاده از همه ظرفیت ها و توانایی است. لازمه سیاست توسعه پایدار، داشتن شاخص های اندازه گیری برای نیل به اهداف آن است (گودرز وند چگینی، ۱۳۹۴: ۲۱۵).

## پیشینه تحقیق

کریمی و عرب عامری (۱۳۹۹) تحقیقی تحت عنوان بررسی تاثیرات جهانی شدن بر نابرابری های اجتماعی در کشورهای درحال توسعه و توسعه نیافته انجام دادند. در این نوشتار با بررسی تغییرات روند نابرابری، به بررسی و مطالعه اثرات جهانی شدن بر نابرابری در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته و اقتصاد این کشورها در معنای عام و نابرابری در معنای خاص، خواهیم پرداخت. روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحقیق تاریخی است، از این رو که به بررسی نظریه ها، دیدگاه های موجود در زمینه تاثیرات جهانی شدن بر نابرابری های اجتماعی پرداخته است. تکنیک جمع آوری داده ها در این پژوهش بهره گیری از مطالعه به روش کتابخانه، کتب، مجلات، مقالات معتبر داخلی و خارجی است.

استعلاجی و حسین زاده (۱۳۹۲) تحقیقی تحت عنوان چالش های پدیده جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه با تاکید بر ایران انجام دادند. روش مورد استفاده در این پژوهش تطبیقی است یعنی به بررسی تاثیر فرآیند جهانی شدن و چالش های آن در کشورهای در حال توسعه و روندها، رویدادها و اثرات مثبت و منفی این پدیده بر کلان شهرهای جهان سوم به ویژه شهرهای ایران با استفاده از روش مطالعه تطبیقی با تکیه با مطالعات اسنادی و کتابخانه ای پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که با تشدید فرایند جهانی شدن، شهرهای کشورهای در حال توسعه از لحاظ الگوهای مصرف، فرهنگ عمومی و محیط ساخته شده به همتای غربی خود شبیه می شوند. قاسم زاده (۱۳۹۳) تحقیقی تحت عنوان جهانی شدن اقتصاد: فرصت ها و چالش ها با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران جهانی شدن اقتصاد می تواند در صورت وجود ساختار تولیدی مناسب و قابل رقابت در عرصه جهانی، کارآمدی دولت و ثبات در سیاست های مالی دولت اعم از پولی و تجاری و ارزی، وجود زیرساخت های مناسب و ثبات اقتصادی و حضور در سازمانها و اتحادیه های منطقه ای نقش مؤثری در روند توسعه داشته باشد با این حال به دلیل ضعف مؤلفه های فوق در رابطه با ایران، چالش های جهانی شدن که در انزوا یافتن اقتصادی کشور متجلی است، نمود بیشتری یافته است. یایا و همکاران (۲۰۲۰) تحقیقی تحت عنوان جهانی شدن در زمان COVID-۱۹: تغییر موقعیت آفریقا برای رویارویی با چالش های فوری و از

راه دورانجام دادند. جهانی شدن در معرض تهدید جدی قرار دارد زیرا دولت ها تلاش می کنند تا با محدود کردن تجارت جهانی و جریان مردم، آسیب پذیری خود را در برابر ویروس کاهش دهند. با اعمال بسته شدن مرزها و اقدامات سختگیرانه مهاجرتی، اختلالات عمده ای در زنجیره تامین جهانی آفریقا با اثرات نامطلوب بر اشتغال و فقر ایجاد شده است. انتظار می رود اقتصادهای آفریقایی که بیش از حد متکی به صنایع تک صادراتی هستند، مانند نفت و گاز، به شدت آسیب ببینند. این وضعیت با کاهش قیمت نفت و کاهش تقاضای جهانی برای محصولات غیرنفتی آفریقا تشدید می شود. بخش کشاورزی که باید این شوکها را مهار کند، تحت تأثیر اعمال قرنطینه است که معیشت و امنیت غذایی مردم را تهدید می کند. ممکن است قرنطینه ها در آفریقا پاسخی نباشد و موضوع پاسخ به بیماری همه گیر بهداشت عمومی باید با تصویب سیاست های خاص زمینه ای که باید به روشی انسانی اجرا شود، مورد توجه قرار گیرد. در پرداختن به تأثیر اجتماعی و اقتصادی COVID-19 بر کشورهای آفریقایی، ما استدلال می کنیم که دولت ها باید برنامه های حمایت اجتماعی را در اولویت قرار دهند تا منابعی را برای مردم برای حفظ بهره‌وری اقتصادی و در عین حال محدود کردن از دست دادن شغل فراهم کنند. سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای این منظور به آفریقا کمک می کنند، اما عموماً به‌عنوان وام (افزودن بر بار بدهی) و نه به‌عنوان کمک بلاعوض. توافق G20 بنابراین تعلیق پرداخت بدهی برای یک سال کمک خواهد کرد، اما برای نیاز مالی کافی نیست. حفظ تجارت فرامرزی و همکاری برای ادامه تولید درآمدهای عمومی مطلوب است. استراتژی‌های جدید برای تنوع بخشیدن به اقتصادهای آفریقا و محدود کردن وابستگی آنها به منابع مالی خارجی از طریق ترویج تجارت با تمرکز بیشتر منطقه‌ای (قاره‌ای) همانطور که در توافقنامه تجارت آزاد قاره آفریقا ترویج شده است، اگرچه بدون محدودیت نیست، باید بررسی شود. در حالی که قضاوت در مورد آمار نهایی اقتصادی و مرگ و میر کووید-۱۹ زود است، پاسخ رهبران آفریقا به این همه‌گیری و حمایتی که از کشورهای ثروتمند دریافت می کنند، نتایج نهایی آن را تعیین می کند. راد (۲۰۲۰) تحقیقی تحت عنوان جهانی شدن، چالش COVID-۱۹ و عدم قطعیت قیمت نفت انجام داد. روسیه - یکی از اعضای غیراوپک که به طور سنتی در جلسات اوپک شرکت کرده و ساختار قیمت گذاری نفت اوپک را پذیرفته است، تصمیم گرفته است در این زمان بازی نکند. جنگ سلطه بر بازار نفت بین روسیه و عربستان سعودی احتمالاً تأثیر قابل توجهی بر صنعت جهانی نفت خواهد داشت. در واکنش به کاهش قیمت نفت، سهام انرژی ایالات متحده یکی از بخش‌هایی بودند که بیشترین آسیب را دیدند. اکسون موبیل و شورون شاهد کاهش ۱۱ تا ۱۵ درصدی قیمت نفت خود بوده اند. سهام ماراتون اویل و اوکسینتال پترولیوم ۴۰ تا ۵۰ درصد سقوط کرد. وثیقه کاهش قیمت نفت، بخش‌های مالی و صنعتی اقتصاد ایالات متحده از جمله کاترپیلار و جی پی مورگان و بوئینگ شروع به آسیب می کنند. سهام کشتی های کروز، مانند رویال کارائیب و سایرین به طور قابل توجهی به طور متوسط ۲۵ درصد کاهش یافته است. در سرتاسر آسیا، اقتصاد چین احتمالاً شاهد کاهش رشد تولید ناخالص داخلی خود خواهد بود که می تواند چین را با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ۳ تا ۴ درصدی مواجه کند. اقتصاد چین شاهد کاهش خردفروشی بوده است که تأثیرگذار بوده است.

## جهانی شدن

موضوع جهانی شدن از دهه ۱۹۵۰ از سوی دانشمندان رشته های علمی اقتصاد، جامعه شناسی، علوم سیاسی، انسان شناسی، اقتصاد سیاسی، تاریخ و ... مطرح شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰: ۱۹) جهانی شدن پدیده‌ای است که جنبه های مختلف زندگی انسان را در جوامع مختلف تحت اثر قرار داده است، به طوری که «هیچ جامعه ای نمیتواند به تنهایی و بدون تعامل با کلیت جامعه جهانی به زندگی اجتماعی خویش معنا و مفهوم بخشد و موجب تداوم آن شود (زارعی، ۱۳۸۸: ۹). در خصوص تاریخچه پیدایش این پدیده، دیدگاه های مختلفی وجود دارد: برخی معتقدند جهانی شدن فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در هر دوره ای مسیری را طی کرده است (حقیقت‌ناس، ۱۳۹۳: ۱۳). عده‌ای آغاز این پدیده را با آغاز نظام سرمایه‌داری در قرن شانزدهم و شروع استعمار همزمان میدانند و گروهی دیگر نیز جهانی شدن را پدیده‌ای جدید و تداوم مدرنیته میدانند، به‌گونه‌ای که در دهه های پایانی قرن بیستم مطرح و به شدت طی مدت زمان کوتاهی اوج گرفت و بخش های مختلف حیات بشری را از خود متأثر ساخت (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۷۸). همچنین در یک حالت کلی، دو موضع در برابر جهانی شدن وجود دارد: دیدگاه ول (بدبینانه)، جهانی شدن را جهانی سازی یا غربی سازی و «پروژه‌های» تصور میکند که نظام سرمایه داری به منظور

سلطه بر جهان آن را طراحی و هدایت میکند. دیدگاه دوم معتقد است که جهانی شدن یک «فرایند» است و نه پروژه‌های طراحی شده از سوی یک یا چند قدرت جهانی. طبق این دیدگاه، بعد از جنگ جهانی دوم و با رشد تجارت جهانی و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش تحرک سرمایه‌ها و ...، جهانی شدن سرعت و شکل جدیدی به خود گرفته است (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۴). از جهانی شدن تعاریف متعددی به‌عمل آمده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود: آنتونی گیدنز در تعریف جهانی شدن معتقد است: جهانی شدن را میتوان به عنوان تشدید روابط اجتماعی جهانی تعریف کرد، همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تاثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارد شکل می‌گیرد و برعکس (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۷).

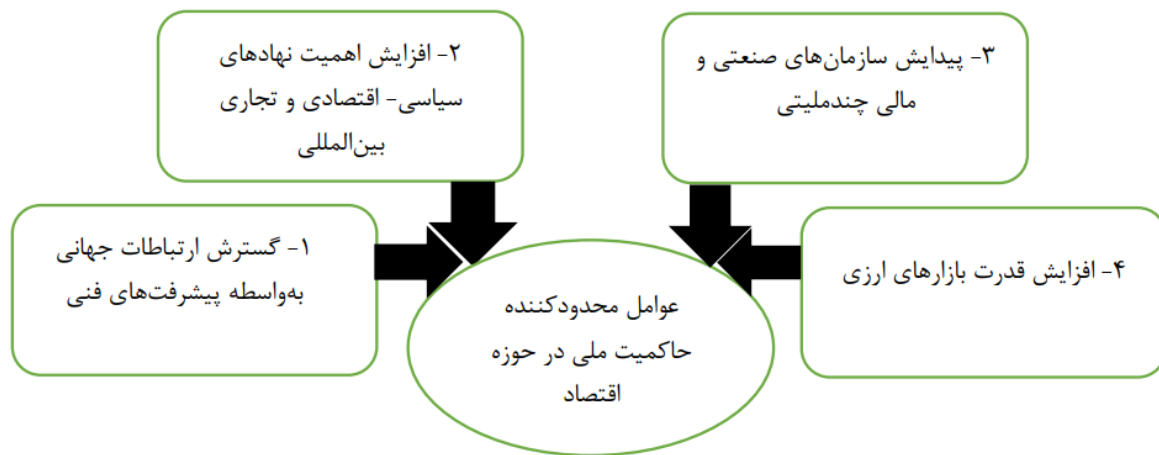
از نظر رونالد رابرتسون، مفهوم جهانی شدن هم به درهم فشردن جهان و هم تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد (رابرتسون، ۱۳۸۲). مالکوم واترز جهانی شدن را یک فرایند اجتماعی میدانند که در آن محدودیتها و قید و بندهای جغرافیایی از ترتیبات و تنظیمات اجتماعی و فرهنگی برداشته شده و مردم به طور فزاینده‌ای از فروکش کردن این قید و بندها آگاه میشوند (واترز، ۱۳۷۹). رویهمرفته و در یک تعریف کلی میتوان گفت، جهانی شدن فرایندی است که دنیا را به لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دچار تغییر و تحول ساخته است، به طوری که در نتیجه شکل‌گیری آن، دولت‌ها، مناطق و مردمان مختلف وابستگی بیشتری به یکدیگر پیدا کرده‌اند و هرگونه تغییر و تحولی در گوشه‌ای از جهان، مناطق و کشورهای دیگر را تحت تاثیر قرار میدهد (یوسفی و ستارزاده، ۱۳۸۸: ۷۲). به طور کلی مقتضیات خاص تاریخی که فرایند جهانی شدن را پدید آورده است، بدین ترتیب می‌باشند: ۱ گسترش فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به فراتر از مرزهای سیاسی، مناطق و قاره‌ها؛ ۲ جریان آزاد تجارت، سرمایه، پول، فرهنگ و اقتصاد؛ گسترش ارتباطات و نظام‌های جهانی؛ ۴ حمل و نقل و ارتباطات که موجب درهم آمیختن اندیشه‌ها و علوم شده است؛ و ۵ از بین رفتن مرزهای بین امور محلی و جهانی (نادمی، ۱۳۸۸).

در مجموع با وجود برداشته‌های متفاوتی که پیرامون مفهوم، آثار و پیامدهای جهانی شدن میان صاحب‌نظران وجود دارد، همه آنها درباره این مسئله که جامعه بشری با سرعت هرچه تمامتر مسیر یکپارچگی را می‌پیماید و با نوعی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و مبادلات جهانی فرامرزی مواجه ایم اتفاق نظر دارند (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۸۱). جهانی شدن دارای ابعاد و لایه‌های متعددی است که از میان آنها میتوان به بعد اقتصادی (به معنای ادغام اقتصادهای ملی)، سیاسی (به معنای تضعیف حاکمیت انحصاری دولت‌ها) و فرهنگی اشاره کرد که تمرکز مقاله حاضر بر بعد فرهنگی جهانی شدن و تاثیر آن بر هویت ملی می‌باشد. به طور کلی جهانی شدن فرهنگ را میتوان دربرگیرنده فرایندها و عواملی دانست که هرگونه محدودیت و بستر فرهنگی زندگی اجتماعی را تعدیل کرده و موجب شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی میشود که آن را فرهنگ جهانی مینامند (ادریسی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). بعد فرهنگی جهانی شدن، ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی و جهانی شدن فرهنگ است. از جمله تاثیرات جهانی شدن فرهنگ، گسترش اجتناب‌ناپذیر ارتباطات و کاهش روزافزون فاصله‌ها، جهانی شدن چالش‌ها و فرصت‌های موجود و الگوهای رفتاری در عرصه‌های مختلف، گسترش جهانی سطح ارتباطات، جهانی شدن افق ذهن و دید بشر و «گسترش جهانی مقوله‌های هویتی و پیدایش منابع هویت‌ساز جهانی» را میتوان بر شمرد. به طور کلی مبنای تحلیل کارشناسان بر این اصل مبتنی است که رشد فزاینده فناوری وسایل ارتباط جمعی موجب فشردگی زمان و مکان و نزدیکی فرهنگی کشورها شده و از این طریق یک فرهنگ مسلط (فرهنگ غربی) در سطح جهانی تشکیل داده است (گل محمدی، ۱۳۸۹: میرمحمدی، ۱۳۸۱). در جهانی شدن فرهنگ گفته میشود که انقلاب ارتباطات و تسهیل حمل و نقل و تردد بین کشورها، موجب شناخت بیشتر فرهنگ‌ها از یکدیگر شده و آداب و رسوم و ویژگیهای فرهنگی جوامع مختلف را به آسانی در اختیار سایر جوامع قرار داده است (حق شناس، ۱۳۹۳: ۱۴۰)؛ اما نکته مهم در اینجا این است که فارغ از اینکه سیر تحول تاریخ در حال شکل دادن به فرهنگی جهانی است، نمیبایست از مسئله تولید و بازتولید فرهنگهای محلی چشم‌پوشید، چراکه در فرایند جهانی شدن، شاهد تقویت خودآگاهی‌های فرهنگی و هویتی بومی و محلی نیز هستیم (نظری و قنبری، ۱۳۹۲: ۱۳۴). بطور کلی از نگاه این مقاله، توسعه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و تسهیل مبادلات و انتشار اطلاعات در فضای جهانی از مهمترین دلایل پیشرفت جهانی شدن میباشد. رشد فزاینده رسانه‌های ارتباطی در عصر جهانی شدن، توجه به مطالعه و بررسی رابطه میان هویت ملی و رسانه را ضروری ساخته است. «بنا به نظریات موجود در ادبیات اجتماعی، تغییر، تثبیت، تقویت، تضعیف و تکوین هویت ملی در هر جامعه-

ای با رسانه های ارتباط جمعی و محتوای پیام های آنها ارتباط دارد (میرمحمد، ۱۳۹۴). برخلاف گذشته که رسانه های جمعی در عرصه ملی به عنوان حلقه واسط بین مردم و محیط اجتماعی آنان، نیرومندترین ابزار تولید تصورات ملی محسوب میشدهاند، امروزه نقش این رسانه ها با پیدایش رسانه های فراملی متزلزل شده است. صاحب نظران بر این باورند که رسانه های فراملی با کارکردهایشان موجبات تضعیف بنیان های هویت ملی جوامع را فراهم کردند. این رسانه ها به عنوان منابع معرفتی مدرن، به شیوه ای فراگیر، اطلاعات و آگاهیهای بسیاری درباره ملتها و جوامع مختلف به مخاطبان منتقل می-کنند و بدینوسیله زندگی روزمره آنها را زیر نفوذ خود قرار میدهند (جعفری و دیگران، ۱۳۸۹). شبکه های ارتباطی جهانی، فواصل فضایی و مکانی بین افراد و سازمانها را از بین برده و مهارتهای متعددی نظیر انتقال داده ها و ارتباط از راه دور را امکانپذیر ساخته اند. از این رهگذر، افق های درک انسانها به شدت گسترش یافته و از سرنوشت مشترک بشری آشنا میشوند (کاستلز، ۱۳۸۲: ۴).

### جهانی شدن سیاست

دیدگاه های متفاوتی درباره جهانی شدن مطرح شده است. شکگرایان با رویکردی تردیدآمیز معتقدند که جهانی شدن تداوم سرمایه داری جهانی است. آنان جهانی شدن و آزادسازی تجاری را دو مفهوم ناظر بر توسعه اقتصادی میدانند که بر سیاستهای بازار آزاد تأکید میورزند. آنان بر این باورند که فرایند جهانی شدن بازارهای مالی و سرمایه گذاری را قادر میسازد تا بگونه ای بین المللی عمل کنند؛ به عبارت دیگر جهانی شدن به معنای آن است که تمام گیتی در دسترس سرمایه به ویژه قدرتهای جهانی کاپیتالیستی قرار گیرد (دهشیری، ۱۳۹۳). بدین ترتیب جهانی شدن میتواند بعنوان پدیده ای تعریف شود که منجر به تحرک سریع کالاها، خدمات، سرمایه، مردم و ایده ها در فراسوی مرزهای جغرافیایی میشود. در واقع جهانی شدن پدیده های کاملاً جدید نیست ولی همواره از نظر کیفی در حال تحول است. برخی جهانی شدن را عبارت از روندی چندشکلی میدانند که وابستگی متقابل میان منطقه های مختلف جهان و جنبه های گوناگون زندگیشان به وجود میآورد. روبرت سون جهانی شدن را مجموعه فرایندهایی میدانند که به پیدایش جهانی واحد منتهی خواهد شد. در جهانی شدن، جوامع در همه جنبه های زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگیشان بطور متقابل به یکدیگر وابسته خواهند شد و دورنمای این وابستگی های متقابل، جهانی شدن واقعی خواهد بود. برخی جهانی شدن را به معنای جهانگیر شدن مقوله های مادی و معنوی میدانند که در قلمروهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معنا متفاوتی پیدا میکند (عاملی، ۱۳۸۰). کوتکوویچو کلنر اصطلاح جهانی شدن را برای توصیف روندی بکار میبرند که اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی به سرعت کره زمین را زیر نفوذ خود قرار داده و به خلق یک بازار نوین جهانی، سازمانهای سیاسی فراملی جدید و فرهنگ جهانی تازه های میپردازند. در این باور دورنمای جهانی شدن، توسعه بازار جهانی سرمایه داری، زوال دولت های ملی و گردش پرشتاب کالا، اطلاعات و شکل های فرهنگی است. در تعریفی دیگر آمده جهانی شدن به معنای شکوفایی جوامع مدنی، عامل کاهش موانع در راه تجارت آزاد و تعمیق وابستگی متقابل است (ساداتی نژاد و مصاحبی محمدی، ۱۳۹۶). میتوان جهانی شدن را برد جهانی یافتن عرصه های مختلف زندگی یا گسترش فزاینده و به هم مرتبط موضوعات، فرصتهای انتخاب، الگوهای رقیب و اقدام های مختلف در مقیاس جهانی دانست. برخی نیز جهانی شدن را به همه فرایندهایی که در آن مردم جهان به صورت یک جامعه جهانی همکاری میکنند، اطلاق کرده اند.



شکل ۱) عوامل اصلی جهانی شدن که دایره اختیار حاکمیت ملی را در حوزه اقتصاد و زندگی اجتماعی محدود می‌سازد (ذکی و حسینی نصرآبادی، پیشین، ۱۹۴)

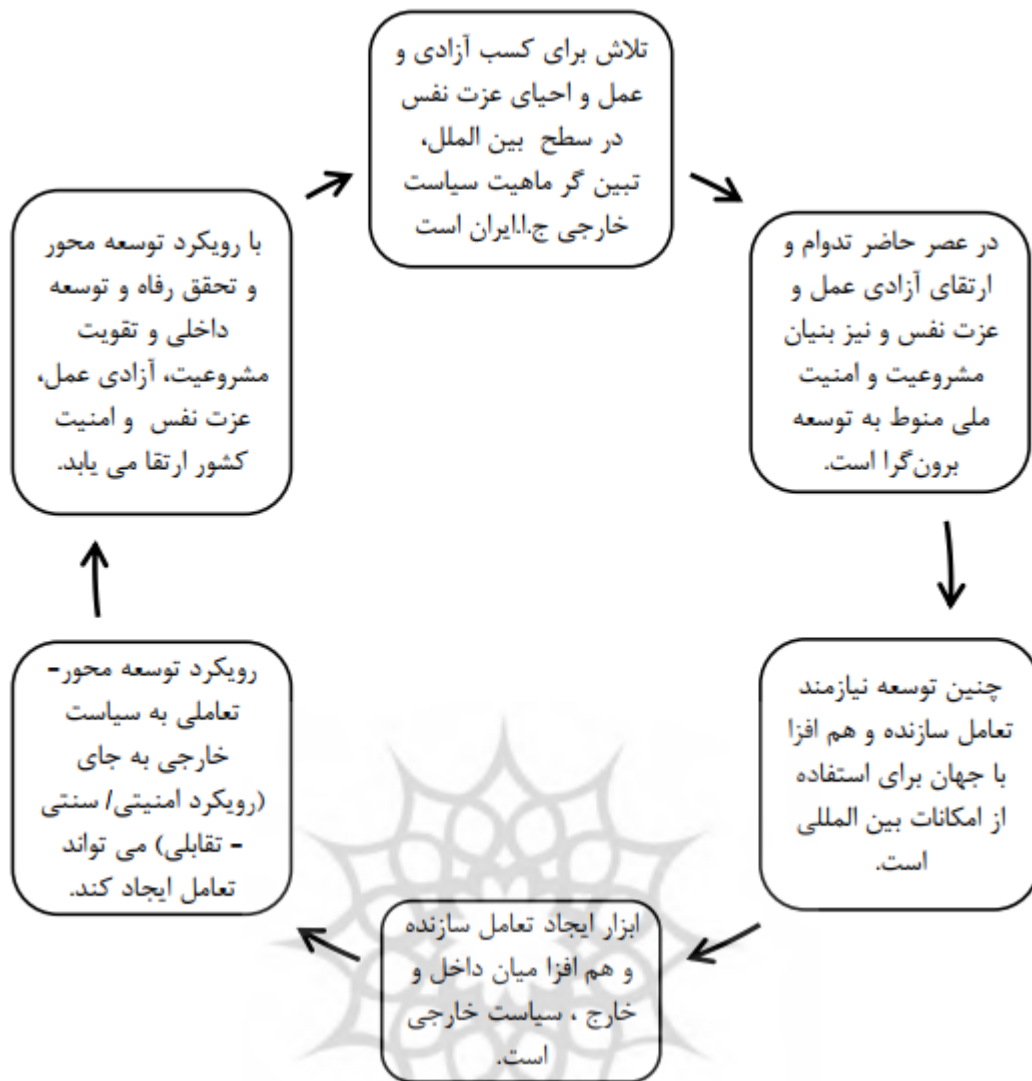
### دولت و سیاست خارجی توسعه‌گر

آمیاکومار باغچی در تعریف دولت توسعه‌خواه در عرصه جهانی مینویسد: دولت توسعه‌خواه دولتی است که توسعه اقتصادی را بالاترین اولویت و خط مشی حکومتی قرار داده و میتواند زیرساخت‌های موثر پیشبرد چنین هدفی را ایجاد کند. چنگ نیز دولت توسعه‌خواه را دولتی تعریف میکند که اهداف بلندمدت رشد و تغییرات ساختاری را مورد توجه قرار میدهد و در عین حال از نیروی لازم برای ایجاد و تنظیم روابط سیاسی و اقتصادی لازم برای صنعتی‌سازی برخوردار است (محسنزادگان و حسینی کرانی، ۱۳۹۱). علت این امر که چرا برخی دولتها و کشورهای در حال توسعه نخواستند یا در واقع نتوانسته‌اند روش نوین سازی توسط دولت را تعقیب کنند، آن است که آنها دولتی توسعه‌مدار که کلید موفقیت اینگونه نوین سازی است، نبوده‌اند. دولت توسعه‌گرا سیاست خارجی توسعه‌گرا را نیز ایجاب میکند. سیاست خارجی که اولویت دیپلماسی ایران در سند چشمانداز بیستساله است و شرط لازم برای توسعه یافتگی و ارتقای توان ملی کشور میباشد، نیازمند تعیین برخی اولویت‌ها در سیاست خارجی میباشد (سلیمانی پور لک، ۱۳۹۵).

از نظر مبنایی و محتوایی سیاست خارجی به دو نوع آرمانگرا و واقع‌گرا تقسیم میشود. سیاست خارجی آرمانگرا مبتنی بر اصول اخلاقی و موازین انسانی است. سیاست خارجی واقع‌گرا هم سیاست منفعت‌محور است که مهمترین هدفش تعقیب منافع ملی است. باتوجه به رضایت و عدم رضایت از نظم و نظام بین‌الملل نیز، دو نوع سیاست خارجی با عنوان محافظه‌کار و تجدید نظرطلب شکل میگیرد. سیاست خارجی محافظه‌کار از وضع و نظم موجود راضی است و در واقع خواهان حفظ وضع موجود است. سیاست خارجی تجدیدنظرطلب اما از وضع و نظم موجود ناخشنود است و خواهان تغییر آن است. اگر تجدید نظرطلبی جنبه افراطی به خود بگیرد که خواهان تغییر فوری و فاحش در نظام بین‌الملل باشد، رادیکال نامیده میشود؛ اما حد وسط تجدیدنظرطلبی و رادیکالیسم را اصلاح‌طلب مینامند. به این معنا که این سیاست خارجی به دنبال تغییر بنیادی و زیربنایی نیست، بلکه هدفش تغییرات و دگرگونیهای رونمایی است (افضلی و کیانی، پیشین: ۱۶۶) از نظر جهتگیری کلان و شیوه تعامل نیز سیاست خارجی به دو نوع درونگرا و برونگرا تقسیم میشود. درونگرایی در سیاست خارجی حاصل بدبینی یا بینبازی به نظام بین‌الملل است که نتیجه آن عدم حضور فعال در صحنه بین‌المللی است؛ اما سیاست خارجی برونگرا بر پایه مشارکت فعال در عرصه جهانی برای شکلهای به حوادث بین‌المللی است. با ترکیب و تلفیق سیاست خارجی درونگرا و برونگرا با انواع دیگر سیاست خارجی فوق‌الذکر، سیاستهای خارجی متمایزی حاصل میگردد که ماهیتی متفاوت دارند؛ بنابراین سیاست خارجی درونگرا میتواند آرمانگرایانه یا واقعگرایانه نیز باشد. بر همین اساس هر یک از انواع سه‌گانه سیاست خارجی درونگرا ممکن است آرمانگرا یا واقعگرا باشند. از طرف دیگر راهبرد هر کدام از این سیاستهای خارجی درونگرا ممکن است بیطرفی، انزواگرایی یا عدم تعهد باشد. به همین ترتیب سیاست ارجی برونگرا نیز احتمال دارد محافظه‌کار تجدیدنظر طلب یا اصلاح طلب باشد که به نوبه خود میتواند آرمانگرا یا واقعگرا هم باشد (قوام، ۱۳۹۳).

سیاست خارجی برون‌گرایی محافظه کار همراه نظام بین الملل، برون‌گرایی تجدیدنظر طلب ماهیتی تقابلی با نظام بین الملل و سیاست خارجی برون‌گرایی اصلاح طلب نیز ماهیتی تعاملی دارد که حد واسط همراهی و استحاله و تقابل به حساب می آید، یعنی نه ادغام کامل و نه تعارض و تقابل مطلق. در واقع این نوع سیاست خارجی، تعاملی می‌باشد چراکه در عین نارضایتی ولی تلاش میکند در چارچوب نظم موجود به تعامل با دیگران بپردازد. حال باتوجه به مدل های مختلف توسعه و انواع متفاوت سیاست خارجی از همنشینی و ارتباط آنها با یکدیگر، انواع متعددی از توسعه- سیاست خارجی به دست می‌آید که در مقام اجرا ممکن است قابل جمع نباشند؛ بنابراین نخستین الزام سیاست خارجی توسعه گرا، تناسب و سنخیت الگوی توسعه با سیاست خارجی اتخاذی یا حداقل عدم تعارض و ناسازگاری این دو می‌باشد (موسوی شفاپی، ۱۳۸۹).

باتوجه به مطالب گفته شده مدل توسعه کشور بر برون گرایی معطوف به داخل یا همان برون‌گرایی درون‌نگر مبتنی است. این مدل با هیچ کدام از انواع سیاست خارجی سنخیتی ندارد، چون درون‌گرایی در سیاست خارجی بر انزواگرایی و دوری از نظام بین الملل مبتنی می‌باشد، درحالیکه الگوی توسعه برون‌گرا (توسعه صادرات) مستلزم دیپلماسی فعال همه جانبه برای بسترسازی جهت استفاده از منابع، سرمایه و فرصتهای خارجی و بین المللی است. علاوه بر این موقعیت ژئوپلیتیک ایران، ایدئولوژی سیاسی جمهوری اسلامی، فرهنگ سیاسی و هویت ملی ایرانیان و در مجموع فرهنگ و تمدن فراسرزمینی، به جمهوری اسلامی ایران سرشتی تعامل‌پذیر بخشیده است؛ بنابراین، جهت دستیابی به اهداف توسعه ای در کشور، سیاست خارجی برون‌گرای درون‌نگر مبتنی بر تعامل که جنبه اصلاح طلبانه نسبت به نظام بین الملل دارد، بهترین گزینه است. این سیاست خارجی در مقایسه با انواع دیگر، جوهرمدار جوانه تر داشته و تبع آن، ابزارهای خوشناتامیز نیز در آن از مطلوبیت و ضرورت کمتری برخوردارند؛ بنابراین سیاست خارجی توسعه گرا از اصولی برخوردار است که مهمترین آنها عبارتند از: همزیستی مسالمت آمیز، تنش‌زدایی، اعتمادسازی و چندجانبه گرایی در سطوح منطقه ای و جهانی. پایه ریزی سیاست خارجی بر این اصول نه تنها دستیابی به اهداف توسعه ملی در آن مهیا می‌سازد، بلکه برآورد دیگر اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی نیز می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، پیشین، ۱۳۶۸).



شکل ۲) روابط میان متغیرهای توسعه، سیاست خارجی و آزادی عمل در عصر جهانی شدن

### دولت توسعه گرا در دهکده جهانی

فرایند جهانی شدن سیاست سبب میشود که فرایندهای اجتماعی، فاصله های زمانی و مکانی خود را از دست دهند و ماهیت غیرمرزی پیدا کنند. همزمان با آن عوامل موثر بطور روزافزونی در شکل گیری و تعیین ماهیت زندگی انسانها در صحنه جهانی عمل میکنند، بگونه ای که جهان به یک مکان واحد مبدل میشود، ولی میزان شدت و گستردگی فرایندها با شتاب های ناموزونی پیش میروند. جهانی شدن سیاست از مواردی است که شتاب آن از ابعاد دیگر جهانی شدن، کندتر است، علت آن به ماهیت دولت ملی و نظام مرکب از دولت، ملتها بر میگردد. دولتهای ملی برای حفظ اختیارات و امتیازات ناشی از حاکمیت ملی موانعی را در راه جهانی شدن سیاست ایجاد و حرکت آن را کند کرده اند جهانی شدن، به معنی گسترش ارتباطات در زمان کوتاه و از بین رفتن فاصله ها و گسترش مبادلات، فرایندی است که در دهه 1970 میلادی آغاز شده و اکنون با سرعت بسیار در حال گسترش است (هلد و کوینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳).

جهانی شدن روندی اجتناب ناپذیر در اقتصاد، جامعه و سیاست است و در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی-سیاسی و علمی-فناوری دارای اهمیت ویژه ای است. جهانی شدن گرایش و توجه به حکمرانی در آینده را افزایش داده است. یکی از مهمترین مباحث این حوزه رابطه بین دولت و حکومت داری جهانی است. تلاش های بسیاری به منظور بررسی این موضوع صورت گرفته

<sup>1</sup> Held & Koenig-Archibugi



که بطور کلی شامل سه دیدگاه است: دیدگاه همگرایی که دولت‌ها را در حال مرگ میدانند؛ در مقابل دیدگاه واگرا که معتقد است جایگزینی دولت‌ها با جهانی سازی اتفاق نخواهد افتاد و در میانه، دیدگاه دیگری است که معتقد است دولت‌ها با تقاضای جهانی شدن خود را تطبیق می‌دهند. بررسی توسعه جاری جهان نشان می‌دهد دیدگاه سوم معقولتر است. جهانی شدن در درجه اول، ادغام روبه رشد اقتصادهای ملی است البته بطور گسترده نیز، شامل هنجارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که در سراسر جهان گسترش می‌یابد. از جنبه اقتصادی جهانی شدن افزایش پذیرش بازار آزاد است و مالکیت خصوصی را به منظور ترویج و تشویق فعالیت‌های اقتصادی معرفی می‌کند (لاهوریان، ۱۳۹۵). روند کلی جهانی شدن نتیجه عوامل متعددی نظیر توسعه سرمایه داری و پیشرفت سریع فناوری است. بطور خلاصه جهانی شدن پدیده‌ای است که به وسیله بخش خصوصی هدایت می‌شود؛ در مقابل منطقه گرایی با خواست دولت هدایت می‌شود. از منظری دیگر، چانگ با ارائه دیدگاه دیگری در مقابل دیدگاه متعارف، بیان می‌کند که جهانی شدن در میانه راه است و هنوز به سطحی نرسیده است که همه متغیرهای سیاست‌های ملی را بی مفهوم سازد. وی اظهار می‌کند، برخلاف باور نئولیبرالی، موفقیت‌های کشورهای شرق آسیا ریشه در سرمایه گذاری مستقیم خارجی ندارد (چنگ، ۲۰۰۶). با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و بنیان‌های دولت‌های توسعه گرا، در روند جهانی شدن، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای آنها می‌توان تصور کرد. انتقادهای وارد بر دولت‌های توسعه گرا در فرایند جهانی شدن عموماً مرتبط با فقدان تناسب آنها با مفاهیم لیبرالیسم و نئولیبرالیسم است که پارادایم غالب دنیای جهانی شده شناخته می‌شود. با اینحال، فرصت‌هایی نیز با تمرکز بر مزایای دولت توسعه گرا در تقاضای جهانی شدن و حکمرانی جهانی وجود دارد. قبل از هر چیز، دولت توسعه گرا می‌تواند خواسته‌های فوری ملت‌ها را به منظور توسعه پاسخ گوید. یکی از دلایل اصلی برای گسترش دولت توسعه گرا تمایل ملت‌ها به توسعه است. اگرچه فرایند جهانی شدن سبب شده تا دولت‌های توسعه گرا با چالش‌های تازه‌ای مواجه شوند باید توجه داشت که حتی در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت نیز، فضای چشم گیری برای تقویت صنعتی شدن بومی، به ویژه از طریق راهبردهای تقویت آموزش و تحقیق توسعه، وجود دارد. حتی در موارد خاصی مثل صنعت انفورماتیک مطالعات نشان داده که اگرچه نزدیکی هرچه بیشتر به شرکت‌های فراملی جای راهبردهای ملیگرایانه اولیه را گرفته، با وجود این، میراث‌های برنامه‌های ملیگرایانه اولیه همچنان ادامه دارد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۳).

### چالش‌های هویت ملی ایران در عصر جهانی شدن

ادبیات مربوط به جهانی شدن کمابیش در اکثر نوشته‌های اخیر مربوط به هویت ملی در ایران مطرح شده و پژوهشگران از ابعاد گوناگون آنرا مورد بررسی قرار داده‌اند. صاحب‌نظران بر این باورند که عمده‌ترین چالش فراروی هویت ملی ایران را می‌بایست در پدیده جهانی شدن و ملزومات و نیازهای برآمده از دل آن جستجو کرد (احمدی، ۱۳۹۰).

به طور کلی در خصوص شکل گیری هویت ملی در ایران دو دیدگاه کلی وجود دارد: عده ای معتقدند که هویت ملی در ایران، پدیده‌های متاخر و متأثر از ظهور دولت-های ملی در اروپای قرون هجدهم و نوزدهم است و دست‌های دیگر بر این باورند که بهدلیل قدمت تاریخی گسترده کشور ایران، می‌توان نشانه‌هایی از وجود مفهوم هویت ملی را در ایران باستان جستجو کرد؛ دیدگاه اخیر معتقد است که مفهوم ملت به عنوان شالوده شکل گیری هویت ملی، قرن‌ها قبل از دولت‌های ملی قرن نوزدهم در کشور ایران وجود داشته است (قاسمی و ابراهیم آبادی، ۱۳۹۰).

در اینجا بدون غفلت از نقش تاریخی مشروطه به عنوان یک نقطه عطف در حیات ملت ایران، می‌توان گفت آنچه از آن تحت‌عنوان هویت ملی ایران یاد می‌شود، قرن‌ها پیش از روی کار آمدن دولت‌های ملی در اروپا، به وسیله امپراطوری‌های بزرگ ایران باستان ایجاد شد و در فراخنای تاریخ ایران از ابتدا تاکنون و در راه پویایی خود، با هویت‌ها و فرهنگ‌های دیگر آمیخته و توانسته است پایداری و پویایی خویش را تحت عنوان «ایرانیت» حفظ کرده و تداوم بخشد (ابراهیم آبادی، ۱۳۸۸)؛ در واقع می‌توان گفت هویت ملی ایران حاصل یک سلسله فعل و انفعالات و کشاکش تاریخی چند هزار ساله است که با گذار از مراحل و ادوار مختلف، به شکل کنونیاش در آمده است. براین اساس می‌توان این هویت را مفهومی قدمتدار و تاریخی دانست (اسمیت، ۲۰۰۵).

ایرانیان به طور کلی از گذشته دور، همواره خود را به‌عنوان ملتی متمایز از دیگران مشخص ساخته‌اند که این مسئله حکایت از وجود نوعی آگاهی ملی در میان آنان دارد. این آگاهی بر مبنای عناصری چون: سرزمین ایران، تاریخ طولانی و کهن، زبان فارسی، دین و اعتقادات مذهبی (به ویژه اسلام)، فرهنگ غنی و پویا، میراث سیاسی و حکومت، اسطوره‌های ایرانی و ... پدید آمده بود که روی هم رفته موجب ایجاد همبستگی در میان آنان شده بود. این عناصر در طول زمان تحولات خاصی را طی نمودند و همواره به این کارکرد همبستگی ساز خود ادامه دادند. براین اساس، آنها را میتوان عناصر سازنده هویت ملی ایران برشمرد. عناصر فوق، در حال حاضر نیز اصلیت‌ترین و مهمترین نشانه‌های ایران و تعریف ایرانی بودن یعنی شناخت ایرانیان از خود، متمایز کردن خود از دیگران و در نتیجه شناساندن ایران و ایرانی به جهان خارج میباشند (احمدی، ۱۳۹۰).

بطور کلی امتیاز برجسته این مولفه‌ها آن است که موجب اشتراک و ارتباط ایرانیان امروز با نیاکان و نیز با هم‌عصرانشان شده و باعث دل‌بستگی آنان نسبت به هویت ملیشان میگردد؛ بنابراین، زمانیکه از هویت ملی ایرانی سخن گفته میشود، منظور شناخت و آگاهی و احساس تعلق و وفاداری مردم ایران به کشور، اجتماع ملی و عناصر سازنده آن میباشد. هویت ملی ایران رویهمرفته دارای سه پایگاه یا آبخور میباشد: نخستین پایگاه، ایران باستان است که آنرا بعد ایرانی هویت ملی مینامند، پایگاه دوم، دین اسلام است که در چهارده قرن اخیر بخش مهمی از عناصر هویت‌ساز ایرانیان از آن تغذیه شده است و پایگاه سوم مدرنیته یا فرهنگ معاصر میباشد. اینطور به‌نظر میرسد که هویت ملی ایران از لایه‌های فوق به تناسب اهمیت در دوره‌های مختلف بهره‌مند شده و پرورش یافته است (گودرزی، ۱۳۸۷).

اما نکته اینجاست که این هویت با چنین مشخصه‌ای، با فرایند جهانی شدن مواجه شده و از آن تاثیر پذیرفته است. به طور کلی کشور ایران هم‌زمان با کشورهای دیگر در معرض تحول و دگرگونی قرار گرفته و ساحت‌های مختلف زندگی اعضای جامعه آن، تحت‌تاثیر فرایند جهانی شدن دستخوش تحولاتی شده است که ساحت هویت و هویت ملی از جمله مهمترین آنها میباشد. در پرتو تحولات نوین صورت گرفته در عرصه جهانی، تصور و درک جدیدی از خود و دیگری در متن زندگی اجتماعی و فرهنگی ایرانیان سر برآورد و امکان نوعی مهاجرت فکری و فیزیکی و تأمل در جهان‌های فرهنگی مختلف فراهم شده است (آزاد ارملی، ۱۳۹۰).

میتوان چنین گفت که به مانند سایر نقاط جهان، شکل‌گیری هویت جهانی به معنی خودفهمی انسان ایرانی در چارچوب جهانی و شکل‌گیری احساس تعلق فرد به نظام جهانی و تعهد وی به مسائل جهانی است که در نتیجه آن، فرد ایرانی خود را به‌عنوان عضوی از جامعه جهانی تعریف و تصور مینماید (حاجیان، ۱۳۸۸).

در واقع مهمترین زمینه برای گسترش روحیه و تمایلات جهانگرایانه در هویت ایرانی را میبایست در منشا تاریخی آن دانست؛ جامعه ایرانی به طور کلی به‌دلیل زمینه‌های ذیل استعداد و توان جهانی شدن را دارا بوده و میباشد: موقعیت ارتباطی و شاهره جهانی بودن و نیز فضا و طبیعت متنوع جغرافیایی و تحرک جغرافیایی گسترده و پویای اقوام ایرانی؛ اشاعه مستمر عناصر فرهنگی ایران به سرزمین‌های دیگر در ادوار مختلف؛ برجسته بودن رویکرد جهانگرایانه در شعر و ادبیات فارسی؛ و غیر (حاجیان، ۱۳۸۸) بطور کلی با توجه به پویایی فرهنگ و هویت ایرانی و تحولات اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته در ایران در دهه‌های اخیر، مردم این کشور توانسته‌اند به درک جامع‌تری از جهان و فرهنگ جهانی دست یابند (آزاد ملکی، ۱۳۹۰).

### چالش‌ها و فرصت‌های جهانی شدن در ایران

جریان مدرنیته و جهانی شدن در جامعه ما منجر به تغییر نحوه زندگی مردم خانواده و فرهنگ‌ها، اقتصاد، از هم‌پاشیدگی ساختار خانواده و در نتیجه تحول در محیط زیست و کالبد مادی زندگی ایرانیان گشته است. تغییرات کالبدی چهره شهرها و خانه‌ها را با گذر زمان دگرگون ساخته است. تحولات در ساختار شهرها بیشتر در سال‌های پس از جنگ تحمیلی و طی دوران بازسازی و توسعه اقتصادی روی داده است (حبیبی، ۱۳۸۵). افزایش تعداد و وسعت شهرهای بزرگ و کلان‌شهرهای کشور، افزایش شهرهای کوچک (تبدیل روستاها به شهر) اثبات نسبی در شهرها بزرگ و جریان واگرایی توسعه کالبدی شهرها و در نتیجه فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعف در نتیجه گذر از سنت به مدرنیته و جهانی شدن به شرح جدول زیر آورده شده است

جدول ۱: گذر از سنت ها به مدرنیته و جهانی شدن، فرصت ها و تهدیدهای پیش روی خانواده و فرهنگها

نقاط قوت Strengths	نقاط ضعف Weaknesses	فرصتها Opportunities	تهدیدها Threats	SWOT وضعیت
محتوا: معماری جهانی Content: World Architecture		زمینه ایجاد: محیط و اجتماع Context: Environment and Society		
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ریشه های تاریخی</li> <li>- تمدن کهن</li> <li>- فضای جاودانه</li> <li>- بنا جزئی از محیط طبیعی</li> <li>- همزیستی دیدگاههای</li> <li>- بومی و جهانی شدن</li> <li>- معماری متناسب با جهانی شدن</li> <li>- هویت جهانی - منطقه ای</li> <li>- شهرهای جهانی</li> <li>- هوش جمعی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تقلیدگری بدون منطق</li> <li>- سطحی نگری</li> <li>- ساختمان سازی به جای معماری</li> <li>- بنا به عنوان کالا مصرفی</li> <li>- بحران در هویت های محلی - بومی</li> <li>- بحرانهای زیست محیطی</li> <li>- عدم سازگاری با اقلیم</li> <li>- یکنواختی و عدم تنوع</li> <li>- نفی ارزشها و آثار به جا مانده از گذشته</li> <li>- بحران در حس مکان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ورود به دنیای نوین</li> <li>- نوآوری</li> <li>- خلق فضاهای جدید</li> <li>- رفاه نسبی اجتماعی</li> <li>- دموکراسی</li> <li>- کاهش فواصل مکانی</li> <li>- صرفه جویی در زمان و افزایش سرعت</li> <li>- حس وحدت (unity)</li> <li>- گفتگوی فرهنگها و تمدنها</li> <li>- هم زمانی و بی زمانی</li> <li>- وحدت در حین کثرت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بی هنجاری اجتماعی</li> <li>- بی نظمی و آشفتگی</li> <li>- به کارگیری نابخردانه فناوریهای نوین</li> <li>- همانند سازی شکلی نه معماری</li> <li>- توسعه بی رویه و بدون ایجاد زیرساختهای لازم</li> <li>- مشکلات زیست محیطی</li> <li>- تقابل تمدن ها و فرهنگ ها</li> </ul>	گذر از سنت، مدرنیته و جهانی شدن در کشور ایران

تقلید از معماری مدرن غرب

زمینه تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی کشورها از جمله عواملی هستند که در شکل گیری آثار معماری در عصر جهانی شدن بسیار مؤثرند، در کشور ایران هم روند مدرن شدن به صورت تقلید از معماری مدرن غرب در جریان است و به گسترش شهرنشینی و تسلط روز افزون ماشین بر زندگی مردم منجر شده است و بسیاری از هنجارهای مناسب زندگی را تحت تاثیر قرار داده و بی هنجاری و ناهنجاری را جایگزین آن کرده است، به عبارتی: شهرنشینی و صنعتی شدن شیوه های سنتی زندگی را ویران کرد و همراه آنها، مفاهیم و ارزش های اخلاقی در باب شایسته و ناشایسته نیز فرو پاشید. در این شرایط جدید هیچ مجموعه روشن و نوینی از ارزش ها و هنجارها ایجاد نشد. دورکیم این وضعیت را بی هنجاری نامید و مراد از آن شرایط اجتماعی بود که هیچ قاعده عام و روشنی در باب چگونگی زندگی میان مردم وجود نداشت. افراد می کوشیدند تا شیوه زندگی خاص خود را ابداع کرده و در این راه بسیاری فرو پاشیدند (باک، ۱۳۸۶).

شکل (۳) منطقه ای از شمال شهر تهران را در دو دوره زمانی نه چندان دور نشان می دهد در تصویر می توان تغییراتی را که در تراکم ساختمانی ایجاد شده نسبت به ساختمان ۱ که در هر دو تصویر دیده می شود مشاهده کرد. در این تصاویر ساختمان های بلند به اشکال مکعبی مدرن هرمی و با فرم های متنوع دیگر دیده می شوند که هر یک نشانگر رویکرد خاص و طراحی ساختمان های بلند و قوانین اعمال شده در دوره زمانی معین بوده است. ارزش افزوده بالای زمین و ساختمان موجب افزایش جاذبه برای سرمایه گذاری در مناطق شمالی تهران شده است و به شکل گیری برج ها و ساختمان های بلند به ویژه با کاربرد مسکونی منجر شده است که به طبقات مرفه جامعه اختصاص دارند؛ اما میزان تاثیرات این برج ها بر محیط اطرافشان تا چه حد مورد توجه بوده است و اصول ساخت این گونه ساختمان ها تا چه حد رعایت شده است؟



شکل ۳: بافت شهری شمال تهران در فرایند جهانی شدن

اگر یک نگاه سطحی به نوع خانه سازی در گذشته و سنتی با خانه سازی و نوع معماری آن در عصر جدید داشته باشیم در میابیم که در گذشته عناوینی چون: اندرونی، بیرونی، شرقی و غربی، شمالی، جنوبی، رو به آفتاب و غیره بوده است که در عصر جدید خانه سازی دیگر به آن تعبیر کسی کنند توجهی ندارد یا لاقل کمتر توجه می. امروزه آن تعبیر جای خود را به عناوینی چون: فضای بهینه، مدرنیته یا با اصطلاح عامیانه دارای کلاس است یا نه داده است که خود این تبدیل اثرات منفی بر اخلاق، روحیه و نوع تفکر افراد میگذارد، لذا ما به مواردی از این تأثیرگذاری منفی اشاره مینمائیم:

- تحدید حریم خصوصی و فردگرایی
- برداشته شدن فاصله ها
- جابجایی فضاهای درون خانه

### نتیجه گیری

بنابراین آنچه گذشت، جهانی شدن سرنوشت محتوم آینده بشریت است. حال پرسش اساسی این است که چگونه میتوان از فرصتها و امکانات برآمده از روند جهانی شدن بهره گرفت و با تهدیدهای ناشی از این روند، مواجه عقلانی و حساب شده انجام داد؛ به عبارت دیگر چگونه میتوان به جای رها سازی مهار جهانی شدن، ضمن اتخاذ دیدگاهی راهبردی و عقلانی، به اعمال نفوذ در روند جهانی شدن پرداخت و آن را در مسیر توسعه پایدار هدایت کرد. همانطوری که جهانی شدن پیشرفت کرده، شرایط زندگی به ویژه زمانی که با معیارهای مطلوبی سنجیده می شوند در عمل به اندازه کافی در تمامی کشورها پیشرفت کرده است. هر چند بیشترین منافع به کشورهای پیشرفته و برخی کشورهای در حال توسعه تخصیص یافته است. تا آن میزان که شکاف درآمدی بین کشورهای پر درآمد و کشورهای کم درآمد، گسترده تر شده و این موضوع باعث نگرانی گردیده است و تعدادی از شهروندان جهانی در فقر نکبت باری به سر می برند که بسیار نگران کننده است؛ اما این که ما به این نتیجه برسیم که جهانی شدن باعث ایجاد این اختلافات شده و یا این که هیچ کاری نمی توان برای تغییر این شرایط انجام داد، اشتباه است. برعکس، علت این که کشورهای کم درآمد نمی توانند به سرعت کشورهای دیگر به این همگرایی بپیوندند، برخی به دلیل انتخاب سیاستهای خودشان است و برخی دیگر وجود عواملی است که از کنترل آنها بیرون است. هیچ کشوری، حتی فقیرترین کشورها قادر نخواهند بود که به دور از اقتصاد جهانی باشند و در انزوا باقی بمانند. هر کشوری باید سعی کند که فقر را کاهش بدهد. جامعه بین المللی باید سعی کند با نیرومند کردن سیستم مالی بین المللی از طریق تجارت به فقیرترین کشورها کمک کند تا به اقتصاد جهانی بپیوندند، سریعتر رشد کنند و فقر را کاهش بدهند. این مسیری است که دسترسی همه کشورها به دستاوردهای جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه را تضمین می کند. همچنین می توان این چنین گفت که اکثر کشورهای در حال توسعه با توجه به ساختار اجتماعی خود هنوز هم از لحاظ دسترسی به ثروت، خدمات شهری، اشتغال مناسب، وابستگی مالی و افزایش بدهی ها، تشدید رقابت های منطقه

ای، تخریب محیط زیست و بالا رفتن مصرف مواد خام از دیگر کشورها جدا شده اند؛ بنابراین شهرهای کشورهای در حال توسعه دقیقاً همان مسیری را طی نمی کنند که شهرهای غربی پیموده اند که این پیامدها شکل های شهری منحصر به فردی ساخته است. این پدیده در کشور ایران نیز تاثیراتی را برجای گذاشته است که عم جنبه منفی دارد و هم جنبه مثبت، لذا بر همه لازم است که اثرات منفی این پدیده را بدانیم و از ورود آن به عرصه های زندگی از جمله معماری خانه که جزئی از فرهنگ ما را تشکیل میدهد جلوگیری کنیم همچنین از مهم ترین تبعات جهانی شدن در کشور ایران، بحران هویت می باشد. هر جا که فرد نتواند خود را به هویتی خاص منسوب کند، احساس کمبود یا فقدان می کند و خود را بی هویت می خواند و نهایتاً دشوارتر می تواند میان ذهنیت خود و عینیت های اطراف انطباق ایجاد نماید. در برخورد با این بحران، دو موضع امکان پذیر است: - ۱ آن را حل ناشدنی انگاشت و در برابر آن عقب نشینی نمود؛ - ۲ آن را حل شدنی انگاشت و در جهت رفع آن اقدام نمود. با پذیرش موضع دوم جستجو برای یافتن شرایط هویت مندی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد، از جمله راهکارهایی که برای جلوگیری از بحران هویت فوق در حوزه معماری و طراحی شهری پیشنهاد می شود، افزایش دلبستگی شهروندان به شهر و آگاهی عمومی آنان از محیط شهری از طریق ساماندهی محیط کالبدی می باشد. ساماندهی استخوان بندی شهرداری پدید می آورد که تمام عملکردهای شهری و انواع ارتباطات انسانی در یک شبکه در هم تنیده شده و نزدیک به هم قرار گیرند. در رابطه با تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ خانواده ها نیز می توان گفت فرهنگ کلیتی است در هم تافته که شامل «دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادت» است که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست میآورد» که با رفتن به سوی جهانی شدن به کلی تغییر یافته و ممکن است جامعه دچار بی هویتی و دوگانگی فرهنگی شود.

## منابع و مراجع

- [۱] ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۸۸) ساتراپیها و تقسیمات کشتوری در تمدن ایرانی، در: تمدن ایرانی؛ فراسوی مرزها، به اهتمام مجتبی مقصدی و مانندانا تیشتهیتار، تهران: انتشارات تمدن ایرانی
- [۲] احمدی، حمید (۱۳۸۲) هویت ایرانی در گستره تاریخ، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۵.
- [۳] احمدی، حمید- (۱۳۹۰). بنیادهای هویت ملدی ایرانی: چدارچوب نظردی هویت ملدی شهروندمحور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- [۴] آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰) فرهنگ و هویت ایرانی و جهانیشدن، تهران: انتشارات تمدن ایران
- [۵] استعلاجی علیرضا، ۱ نعمت حسین زاده... (۱۳۹۲). چالش های پدیده جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه با تاکید بر ایران، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۳۳ ۱۳۹۲
- [۶] اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳) ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تداری، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی
- [۷] افضلی، رسول و کیانی، وحید (۱۳۹۲) بررسی و ارزیابی کیفی وضعیت روابط خارجی ایران در برنامه چهارم توسعه، فصلنامه سیاستهای راهبردی و کلان، س. ۱، ش. ۱۰.
- [۸] باکاک، رابرت، (۱۳۸۶) صورت بندی فرهنگی جامعه مدرن، ترجمه مهاجر، انتشارات آگاه، تهران. حبیبی، محسن، (۱۳۸۵) شرح جریان های فکری معماری و شهرسازی در ایران، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران
- [۹] بشیریه، حستین (۱۳۸۴) دیباچه ای بر جامعهشناسی سیاسی ایدران، دوره جمهدوری اسدلامی، تهران: نشر نگاه معاص
- [۱۰] حاجبانی، ابراهیم (۱۳۸۴) گفت وگویی بی فرهنگی و انستجام ملتی در: همبستگی ملی در ایران، به کوشش داریوش قمتری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی
- [۱۱] حقشناس، محمدجواد (۱۳۹۳) دولت ملی در عصر جهانیشدن: تحولات و پیامدها، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- [۱۲] حکیمی، رویا (۱۳۹۰) نقش شبکه های اجتماعی بر هویت (مطالعه موردی فیسبتوک و کتاربران کرد)، فصلنامه جهانی رسانه، شماره ۱.
- [۱۳] دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳) جهانیشدن و توسعه پایدار، فصلنامه آموزش محیطزیست و توسعه پایدار، س. ۴، ش.
- [۱۴] دهقانی فیروزآبادی (ب)، سیدجلال (۱۳۸۷) چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم
- [۱۵] ذکی، یاشار و سادات حسینی نصرآبادی، نرجس (۱۳۹۲) حاکمیت ملی در پرتو ابعاد جهانیشدن، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، س. ۱۲، ش.
- [۱۶] رابرتسون، رونالد ۱۳۸۲ جهانیشدن، تئوریهای اجتماعی و فرهنگ جهدانی، ترجمه کمتال پولادی، تهران: نشر ثالث
- [۱۷] زارعی، آرمان ۱۳۸۸ تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران ۱۳۸۴-۱۳۶۸ تهران: انتشارات باز
- [۱۸] ساداتی نژاد، سید محمد و مصاحبی محمدی، وحید ۱۳۹۶ تأثیرات متقابل جهانی شدن و افراطی گری بر یکدیگر (بررسی موردی جریان تکفیری) فصلنامه سیاست خارجی، س. ۳۱، ش.
- [۱۹] سلیمانی پورلک، فاطمه ۱۳۹۵ چالش ها و ضرورت های دیپلماسی اقتصادی ایران و الزامات آن در حوزه سیاست خارجی، فصلنامه مجلس و راهبرد، س. ۲۳، ش.
- [۲۰] شهرامنی، امیرمسعود (۱۳۸۶) جهانیشدن و دموکراسی در ایران، تهران: نشر نگاه معاصر
- [۲۱] عاملی، سعیدرضا جهانیشدن، شهروندی و دین، «نامه علوم اجتماعی، دوره ۹، ش.
- [۲۲] عباسیقاد، مجتبی و خلیلیکاشانی، مرتضی (۱۳۹۰) تدائیر اینترندت بدر هویت ملدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- [۲۳] غفاری، یاشیل (۱۳۹۰) تحول نظریه توسعه در عصر جهانیشدن و هویتبایی ملتها، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲، ش.
- [۲۴] فکوهی، ناصر و عیاری، آذرنوش (۱۳۸۹) اینترنت و هویت در پنج هویت قومی ایران، فصلنامه جهانی رسانه، شماره.

- [۲۵] قاسم زاده شیوا. (۱۳۹۳). جهانی شدن اقتصاد: فرصت ها و چالش ها با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه گیلان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- [۲۶] قوام (ب)، عبدالعلی (۱۳۹۳). روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت
- [۲۷] کاستلز، مانوئل ۱۳۸۲ عصر اطلاعات (ج)، ۱، ترجمه احمد علیقلیتان و افیشتن خاکبتاز، تهران: انتشارات طرح نو
- [۲۸] کریمی، محمود و عرب عامری، حسین، (۱۳۹۹). بررسی تاثیرات جهانی شدن بر نابرابری های اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، سومین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان
- [۲۹] کیانیپور، مسعود؛ عدلیپور، صمد و کیخانی، الهام (۱۳۹۲). تبیین جامعه شناختی نتایج شبکه های اجتماعی فیسبوک بر هویت قومی کاربران ترک در ایران»، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۵.
- [۳۰] گلمحمدی، احمد (۱۳۸۹). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی
- [۳۱] گودرز وند چگینی، مهرداد (۱۳۹۴). توسعه پایدار؛ شاخصها و سیاست»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۴، ش.
- [۳۲] گودرزی، حسین (۱۳۸۷). تکوین جامعه شناختی هویت ملی در ایران، با تاکید بر دوره صفویه، تهران: انتشارات تمدن ایرانی
- [۳۳] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز
- [۳۴] لاهوتیان، علی (۱۳۹۵). دولت توسعه‌گر و آینده آن در فرایند جهانی‌شدن»، فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۶، ش.
- [۳۵] محسنزادگان، امیر و حسینی کرانی، رسول (۱۳۹۰). تأثیر دیپلماسی بر قدرت ملی ایران در عرصه جهانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی و سیاستگذاری عمومی، دوره ۲، ش.
- [۳۶] موسوی شفاپی، سیدمسعود (۱۳۸۹). رویکرد توسعه محور به سیاست خارجی ایران؛ ضرورتها و چالشها»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، ش.
- [۳۷] میرمحمدی، داود (۱۳۸۱). جهانی شدن، ابعاد و رویکردها»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره.
- [۳۸] میرمحمدی، داود (۱۳۹۴). فضای مجازی و تحولات هویتی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- [۳۹] نادمی، داوود (۱۳۸۸). دیدگاههای موافقان و مخالفان جهانی‌شدن»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، 267-268 شم
- [۴۰] نظری، علی اشرف و باقری، صمد (۱۳۹۰). «آموزش عتالی و همبستگی ملتی در ایران (۱۳۶۸)» 1384 فصلنامه مطالعات ملی (ویژه نامه) دور، ۱۲، شماره ۱.
- [۴۱] یوستفی، ستیدابراهیم و ستارزاده، داود (۱۳۸۸). جهانی شدن و گسترش توسعه نیافتگی در کشورهای جهان سوم»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۶۷.
- [42] Chang, H.J (2006). The East Asian development experience: the miracle. The crisis and the future
- [43] Held, D. & Koenig-Archibugi, M (2003). Taming globalization: frontiers of governance. Cambridge, UK Malden, Massachusetts: Polity Press.
- [44] Riad Ajami. (2020). Globalization, the Challenge of COVID-19 and Oil Price Uncertainty, Pages 77-79 | Published online: 25 Mar 2020
- [45] Smith, Antony (2000), The Nation in History; Historiographical Debates about Ethnicity and Nationalism, Polity press
- [46] Yaya Sanni, Akaninyene Otu & Ronald Labonté. (2020). Globalisation in the time of COVID-19: repositioning Africa to meet the immediate and remote challenges, Globalization and Health volume 16, Article number: 51 (2020) Cite this article